

پس لرزه های مهمانی سر سفره خونین حکومت اسلامی!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

با گذشت دو هفته از برگزاری «دومین همایش بزرگ ایرانیان خارج کشور» در تهران، ادامه کشمکش تازه در میان اصول گرایان طرفدار دولت، سبب شده است که نماینده رهبر نیز وارد میدان شده تا به کشمکش ها و موضع گیری های انتقادی برخی از اصول گرایان در برابر اسفندیار رحیم مشایبی و دولت آتش بس دهد.

از سوی دیگر، هویت بسیاری از شرکت کنندگان مهمانی سر سفره خونین حکومت اسلامی در سایت های اینترنتی افشاء شده است. برای مثال، شرکت رضا خلیلی دیلمی، نماینده پارلمان سوئد از اعضای ایرانی تبار حزب حاکم مدرات در مهمانی احمدی نژاد، به یک رسوایی سیاسی در این کشور تبدیل شده است. علاوه بر انتقاداتی که در رسانه های فارسی زبان و سوئدی در این مورد در جریان است، اکیسوی نیز امروز ۱۶ اوت ۲۰۱۰، در اعتراض و افشاگری در رابطه با همکاری های گسترده دولت سوئد و حکومت تروریستی اسلامی و هم چنین شرکت نماینده پارلمان ایرانی تبار حزب مدرات در مهمانی خونین حکومت اسلامی، در مقابل پارلمان این کشور برگزار کردید. فراخوان این اکیسیون را «شورای حمایت از مبارزات آزادی خواهانه مردم - استکهلم» داده بود.

همایش تهران برای متخصصان و تجار ایرانی مقیم خارج کشور و با به درستی بگویم نمایش تبلیغاتی احمدی نژاد تیر خلاص زن، آن طوری که مسئولین برگزاری آن ادعا کرده اند نه تنها بزرگ نبود، بلکه بسیار هم چندانش آور بوده است. از میان سه چهار میلیون ایرانی مقیم خارج کشور، کشاندن ۱۲۰۰ نفر به تهران، آن هم با صرف هزینه های کلان و رشوه و وعده پست و مقام کار بزرگی نیست بر عکس، ورشکستگی حکومت و هم چنین کسانی که از خارج و با وعده های سران و مقامات حکومت اسلامی تن به همکاری با این حکومت جانی و تروریست داده اند یک رسوایی سیاسی، اجتماعی و انسانی برای برگزارکنندگان و شرکت کنندگان آن محسوب می شود. حکومتی که حتا نخبگان و برگزیدگان المپیک ها، فعالین جنبش های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری را از کشور فراری می دهد اکنون به تعدادی تاجر و متخصص ایرانی در خارج کشور متوسل شده است تا برای جناح خود پارگیری کند به معنای واقعی جز رسوایی و ورشکستگی اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک حکومت اسلامی معنی دیگری ندارد.

از سویی، حکومت اسلامی به دلیل این که در سرآشویی سقوط قرار گرفته و هر روز بیش تر از روز پیش در منجلب بحران اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک فرو می رود هر حرکت و اقدام شان به یک جنجال و دعوای سیاسی بین جناح ها و سران جناح غالب تبدیل می شود. اکنون این نمایش نیز کشمکش جدیدی را بین سران و مقامات جناح حاکم اصول گرایان به وجود آورده است.

رییس ستاد کل نیروهای مسلح حکومت اسلامی، این بالاترین مقام نظامی - امنیتی حکومت، اسفندیار رحیم مشایبی را «مجرم علیه امنیت ملی» معرفی کرده است.

بنا به نوشته خبرگزاری امنیتی فارس، سیدحسین فیروزآبادی رییس ستاد کل نیروهای مسلح در یک سخن رانی در «دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی» درباره سخنان مشایبی در همایش ایرانیان خارج کشور، گفته است: «وقتی فردی می آید در آن جایگاه می گوید مکتب ایرانی، یعنی کشورهای اسلامی، حساب ما از شما جداست، کشورهای عربی حساب ما از شما جداست این در جهت تجزیه جهان اسلام است این حرف ها در جهت خنثی کردن خون های شهدا و زحمت هایی است که امام و رهبری عزیز انقلاب برای اتحاد جهان اسلام کشیده اند.»

وی ادامه داده است: «این حرف های کوچکی نیست، نمی دانم چطوری کسی جرات می کند و به خود این اختیار را دهد در حالی که هیچ حکم و حق قانونی ندارد این حرف ها را بزند، این ها جرم است. ورود تروریستین ها و نظریه پردازان جنگ نرم و جاسوسان سیا به کشور را چه کسی اجازه داده است؟ وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی باید پاسخ گو باشند و قوه قضائیه بایستی رسیدگی کند. چرا قوه قضائیه به این جرایم رسیدگی نمی کند، این ها جرایم امنیت ملی هستند، این اظهارات ارکان نظام را مورد هدف قرار می دهند، وقتی کسی مکتب ایرانی را در نفی و کنار گذاشتن مکتب اسلام ناب محمدی، اراده می کند و ایران را در مقابل جمهوری اسلامی ایران بیان می کند مگر جز ادامه راه فتنه گران است؟»

هنگامی دعوا بر سر جناح ها و سران و مقامات حکومتی تعمیق پیدا می کند که آن ها، همواره نگران آینده خود و حکومت شان هستند و در این فکرند که کدام راه و سیاست را در پیش گیرند تا به بقای حکومت اسلامی یاری رسانند.

حمید رسایی، از نمایندگان مجلس که به دلیل حمایت هایش از احمدی نژاد به «وکیل الدوله» شهرت یافته نیز ضمن سخنانی در جمع بسیجیان، از در راه بودن «فتنه جدید» به سرکردگی مشایبی خبر داده است.

به گزارش رجا نیوز، رسایی گفته است: «بر اساس قواعدی که تا به امروز حاکم بوده، انقلاب اسلامی باز هم با فتنه های دیگری مواجه می شود و شاید تا ۱۰ سال آینده فتنه بعدی خود را

نشان دهد. قطعاً فتنه آینده در برابر ولایت و مورد حمایت جریان رسانه ای استکبار خواهد بود. متأسفانه برخی موضع گیری ها و اظهارات مانند مکتب ایران در برابر مکتب اسلام سبب شده تا رسانه های استکباری از گوینده آن استقبال کنند و این حکایت از انحراف معتقدان به این جریان است و نیروهای انقلاب به ویژه رییس جمهور باید هم چون دیگر موارد با موضع انقلابی تکلیف این جریان را معلوم کند.»

در برابر این حملات، اسفندیار رحیم مشایبی، دست به حمله متقابل زد. او، به سخنان مصباح یزدی، شریعتمداری، فیروزآبادی و دیگر منتقدان خود واکنش نشان داد و آنان را «باندهای ثروت و قدرت» دانست. از سخنان مصباح که وی را «یک فعال دینی با برخورد سطحی» دانسته بود، ابراز «تأسف» کرد و خبر داد که از فیروز آبادی شکایت می کند.

بنا به نوشته جوان آنلاین، وی درباره فیروز آبادی در «جمع مدیران و سردبیران ایرنا»، گفته است: «به خاطر اتهاماتی که از سوی این شخص به من وارده شده محق هستم از مسیر قضایی موضوع را پیگیری کنم و این کار را برای تنویر افکار عمومی انجام خواهم داد.»

او، هم چنین بنا به نوشته فارس، در دیدار با «برخی دانش جویان» در واکنش به دیگر منتقدان خود چنین گفته است: «تخریب بنده از سوی بعضی باندهای قدرت - ثروت و عناصر عوام فریب جای تعجب ندارد، اما برخورد سطحی، چکشی و غیرعادلانه از سوی برخی اندیشمندان و فعالان حوزه دین با مباحث مطرح شده موجب تأسف است و باعث نهادینه شدن يك رفتار غلط در سطح عموم جامعه می شود. این منطق که يك مسئول اجرایی، حرف نزنند و دیدگاه هایش را مطرح نکند، از کدام آموزه دینی و فقهی استخراج و استنتاج شده است؛ برخلاف بعضی ها حرف های بنده نه فقط تئوری پردازی نیست، بلکه بیان بسیاری از رفتارهای جاری است که بنده فقط در مقام تبیین یا تصحیح آن ها سخن می گویم.»

رحیم مشایبی، در خبرگزاری دولتی ایرنا، شدیداً به «عالی ترین فرمانده نظامی حکومت» حمله کرده و خطاب به سر لشکر فیروزآبادی، گفته است: «حرف های فیروزآبادی غیرمسئولانه و جاهلانه است. چه کسی باید ثابت کند که چه کسی عامل ابر سرمایه داری است؟ تو نمی فهمی که در این شرایط سیاسی بین المللی ما باید تلاش کنیم زمینه های حضور نخبگان ایرانی خارج از کشور را در ایران فراهم کنیم. آقای عضو شورای امنیت ملی! تو چرا نمی فهمی؟! حالا تو را هم باید توجیه کنم؟! مشایبی ادامه داده که: «سند ندارم که بگویم فیروزآبادی از جنس گروه شیطان است اما فیروزآبادی سراسر جهالت است.»

او، خطاب به برخی از نمایندگان اصول گرای منتقد نیز گفت: «اگر احمدی نژاد نبود چه کسی به شما رای می داد که اکنون بنشینید و چنین سخنانی را علیه بنده بر زبان جاری کنید.» سرانجام با ادامه حملات تند بخشی از نیروهای طرفداران دولت به رحیم مشایبی، سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه احمدی نژاد و رحیم مشایبی را «دو بزرگوار» خطاب کرد و خواست که «ادبیات» خود را به نحوی اصلاح کنند که موجب تشدید اختلاف نشود.

مشروح سخنان سعیدی که در خبرگزاری فارس، انتشار یافته، از جمله گفته است: «باید از سخنانی که موجب سوء استفاده دشمن می شود پرهیز کرد. خبرگزاری فارس، نوشت: «نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان این که امروز کشور ما در خط مقدم جبهه مبارزه با استکبار قرار دارد، تأکید کرد: باید در ادبیات و سخنان مان دقت کنیم که خدای ناکرده دشمن سوء استفاده نکند.»

او، در ادامه سخنان خود، به نوعی نیز خامنه ای را به داشتن قدرت «وحی» و ارتباط با «علوم فوق بشری»، بالا برده و با تأکید بر این که «پیامبر هم قدرت وحی دارد و هم ارتباط با علوم فوق بشری، که بتواند پاسخ نیازهای بشر را ارائه کند»، تصریح کرد: «امام باید بتواند به علوم فوق بشری دست پیدا کند. در عصر غیبت مدیریت برتر و مصونیت حداکثری را کافی می دانیم از جهت مبانی و اصول که همان فقیه جامع الشرایط است که با اشراف بر قرآن و سنت و عدالت واقعی می تواند مدیریت جامعه و اداره امور بشر را بر عهده گیرد.»

سعیدی که این خزعبلات و خرافات مذهبی را در رادیو و در برنامه ای پیرامون مبحث مکتب ایرانی و مکتب اسلام بیان می کرد، در خصوص اظهارات مشاعی درباره مکتب ایرانی و مکتب اسلامی نیز گفت: «نمی دانم انگیزه برخی از عزیزان که در فضا و جریان سازی تخصص دارند، چیست؟ ... طبیعی است که این اظهار نظرها در دنیا يك سری عکس العمل ها و انعکاسات خاصی دارد. مثلاً در همین زمینه جریان وهابیت به شدت از این گونه مسائل که زمینه اختلاف را فراهم می کند و مارک ایرانی و زمینه فاصله گرفتن از اسلام را تشدید می کند، بهره برداری کرد.»

با این حال احمدی نژاد، در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران به دفاع تمام عیار از مشایبی پرداخته و گفته بود: «يك حساسیت روی آقای مشایبی ایجاد کردند که این حساسیت عادی نیست. غیرعادی است. هر مطلبی که گفته می شود قسمتی از این مطلب را می زنند و روی آن مطلب شروع به تبلیغات می کنند و هرچه آقای مشایبی در آن مورد توضیح می دهد می گویند قبول نداریم. این روش ها درست نیست. آقای مشایبی رییس دفتر رییس جمهور است و من به ایشان اعتماد کامل دارم. ایشان مومن به اصول جمهوری اسلامی ایران و اندیشه های انقلاب هستند. مومن به خط ولایت و انسانی پاک هستند. ایشان نظر می دهند، دیگران نیز نظرات شان را مطرح کنند. دعوایی نیست. اگر نظرات ایشان را قبول ندارید عالمانه نقد کنید. نباید فضا را صفر و صد کنید یا کفر و ایمان کنید.»

اما این دفاع احمدی نژاد، ره به جایی نبرد. زیرا او مجبور شد با صدور حکمی غلامحسین الهام را به عنوان «مشاور حقوقی رییس جمهور» برگزیند. سایت خبر آنلاین در تحلیلی از عدم حضور مشایبی در کنار احمدی نژاد، نوشت: «حضور غیرمنتظره غلامحسین الهام و غیبت معنادار اسفندیار رحیم مشایبی از حاشیه های برگزاری پنجاهمین مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بود. در این مراسم غلامحسین الهام، محمود احمدی نژاد را همراهی کرد و حتی در پنجاهمین مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کنار احمدی نژاد و در سمت راست وی نشست. الهام با آغاز به کار دولت دهم به دلیل چند شغله بودن از پست اجرایی کناره گیری کرد و به شورای نگهبان بازگشت. این در حالی است که اسفندیار رحیم مشایبی رییس دفتر رییس جمهوری که در اکثر نشست های مهم کشور احمدی نژاد را همراهی می کرد در پنجاهمین مجمع عمومی بانک مرکزی حضور نداشت و غیبت وی در این نشست مهم معنادار بود.»

به تازگی نیز تعدادی از نمایندگان مجلس از جناح اصول گرایان طرفدار دولت، دست به جمع آوری امضاء در مجلس زده اند که نمایندگان مجلس در آن خواستار تذکر احمدی نژاد به مسئول دفترش شده اند.

خبرگزاری مهر، در خبر دیگر آورده است که ۱۶ نماینده مجلس طی تذکری مکتوب به احمدی نژاد خواستار بر حذر داشتن مشایبی از ایراد سخنان هنجارشکنانه و هم چنین اعلام برائت از مواضع قبلی شدند. مصباحی مقدم نماینده تهران، قربانی نماینده قائنات، بنایی نماینده قم، موسوی نماینده اردبیل، فاطمی نماینده دشتستان، حسینی دولت آبادی نماینده برخوار، موسوی لارگانی نماینده فلاورجان، سید علی حسینی نماینده نیشابور، موسوی سرچشمه نماینده فیروزآباد، سید ناصر موسوی نماینده رامهرمز، میرخلیلی نماینده میناب، موحد نماینده بهبهان، ناصری نژاد نماینده شادگان، رضایی نماینده تربت حیدریه، سبحانی نیا نماینده نیشابور، سعادت نماینده نجفآباد، تذکردهندگان به احمدی نژاد هستند.

البته بخش عظیم این کشمکش ها متوجه احمدی نژاد است. زیرا اولاً رییس «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» بر عهده خود احمدی نژاد است. اما او، چندی پیش رییس دفترش اسفندیار رحیم مشایبی را به عنوان جانشین خود در این شورا منصوب کرده بود و ثانیاً با حضور خود در این همایش نشان داد که عملکرد رحیم مشایبی را می پسندد و آن ها تایید می کند. از سویی گفته می شود شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور در دولت دهم فعال تر شده و تاکنون ۳۰ نشست در کشورهای مختلف دنیا برگزار کرده است. البته همایش های خارج کشور مخفیانه و به دور از چشم مخالفین حکومت اسلامی و نیروهای سرنگونی طلب برگزار شده اند و الا «شیرینی» این همایش ها را برای شرکت کنندگانش «زهر» می کردند.

در هر صورت می توان پیش بینی کرد که در دعاوی میان مشایبی و فیروزآبادی، مشایبی شانس چندانی ندارد. بحث «مکتب ایرانیت» در مقابل «اسلامیت» نیز باورهای پایه ای حکومت اسلامی را زیر سوال می برد و هم فکran حزب الهی آن ها و گروه های تروریستی اسلامی در کشورهای مختلف خاورمیانه را نگران می کند. از سوی دیگر، هدف دولت احمدی نژاد از پیش کشیدن بحث «مکتب ایرانیت»، نه زیر سوال بردن اسلامیت شان، بلکه تلاشی در جهت جلب سرمایه های تاجر و سرمایه داران ایرانی خارج کشور و تقویت کادرهای متخصص حکومت با تحریک احساسات ناسیونالیستی است. هر چند که مشایبی، هم فکر استراتژیک احمدی نژاد است، اما رویکرد دولت او به سرمایه داران ایرانی خارج کشور و به خصوص به کسانی که در همان روزهای نخست پیروزی انقلاب بهمین به دلیل طرفداری از حکومت پهلوی از کشور خارج شده و در خارج کشور نیز نزدیکی هایی با طیف های سلطنت طلب دارند از دو جنبه مهم و کلی حائز اهمیت است: یکی این که در وضعیت بحرانی کشور و در شرایطی که شورای امنیت سازمان ملل و ۲۷ دولت اتحادیه اروپا و فشارهای بی وقفه آمریکا ایران را در محاصره اقتصادی شدیدتری قرار داده و زمره های حمله نظامی به ایران نیز این بار از زبان بالاترین مقام نظامی دولت آمریکا نیز شنیده شده است اگر حکومت اسلامی موفق شود لابی های تازه ای در خارج کشور ایجاد کند و از این طریق لابی های سابق خود را که به دلیل عمیق تر شدن شکاف بین دو جناح حکومتی به هم خورده بازسازی نماید و بخشی از سرمایه های سرمایه داران ایرانی خارج کشور را به سرمایه گذاری در داخل ایران جذب کند شاید کمی از فشارهای بین المللی بر روی خود را کم کند. دوم این که در شرایط کنونی، حکومت اسلامی از طریق این سرمایه داران و متخصصان خارج کشور، لابی هایی در کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا و استرالیا به وجود می آورد که احتمالاً از طریق آن ها بتواند باب مذاکره با دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا را باز کند. احمدی نژاد با حمایت رهبر مدت هاست که دست دوستی به سوی آمریکا دراز کرده است اما هنوز جواب مناسبی از سوی اوپاما دریافت نکرده است. او در هر جمعی و در هر سخن رانی اش این درخواست خود از «شیطان بزرگ» را تکرار می کند.

احمدی نژاد، فعلاً به جذب سرمایه های سرمایه داران خارج کشور حساب باز کرده است. طبق آمارها و برآوردهای صورت گرفته توسط نهادهای بین المللی، ارزش سرمایه ایرانیان پولدار مقیم آمریکا حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار است و چهار میلیون ایرانی در گوشه و کنار جهان معادل قدرت خرید ۶۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه و مغز و تجربه و تخصص، انباشت سرمایه گذاری دارند که تنها انتقال

بخشی از این سرمایه و دانش به ایران شاید بتواند به داد حکومت اسلامی برسد آن هم در حالی که حکومت اسلامی در محاصره اقتصادی قرار دارد. اما به نظر نمی رسد که به غیر از یک مشت دلال اقتصادی و سیاسی که صرفاً به منافع زودگذر شخصی خود هستند حاضر به همکاری با حکومت اسلامی باشند کس دیگری جذب سیاست ها و وعده و وعیدهای حکومت اسلامی نمی شود.

از سوی دیگر، در حال حاضر کادر متخصص و تحصیل کرده در داخل ایران کم نیستند. اما بسیاری از آن ها حاضر به همکاری با حکومت اسلامی نیستند و حتی با به جان خریدن خطرات زیادی به دنبال راه هایی هستند که ایران را ترک کنند. در چنین شرایطی، اگر حکومت اسلامی بتواند با وعده های پول و مقام تعدادی از متخصص خارج کشور را خریداری کند باز هم یک نوع موفقیت برای دولت احمدی نژاد محسوب می شود. اما اگر کسی کمی آگاه باشد و هم چنین کمی هم انسانی فکر کند هرگز به همکاری با جنایت کارترین حکومت جهان تن نمی دهد.

فعالیت حکومت اسلامی در میان ایرانیان خارج کشور، تازگی ندارد اما در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، این فعالیت ها هم به لحاظ جاسوسی در میان اپوزیسیون خارج کشور و هم جلب همکار در میان همه افشار ایرانیان خارج کشور تشدید شده است. سفر تعدادی تاجر و متخصص از خارج کشور به ایران برای شرکت در شو تبلیغاتی احمدی نژاد و مشایب با صرف هزینه های کلان حاصل نهایی این فعالیت ها بوده است. بعد از این نیز قرار است این همکاری آن ها با حکومت اسلامی از جاسوسی در میان مخالفین حکومت و توجیه سیاست های حکومت اسلامی در رسانه های فارسی زبان و بین المللی و مجالس و کنفرانس ها گرفته تا دلالی و واسطه گری بین دولت و حکومت اسلامی و پول شویی و تامین نیاز های حکومت اسلامی از راه های قاچاق از اسلحه گرفته تا دیگر نیازهای حکومتی گسترش پیدا کند. کافی ست که حق دلالی این سرمایه داران و سیاست مداران و متخصصانی که در دومین همایش ایرانیان خارج کشور در روزهای ۱۱ و ۱۲ مرداد ۱۳۸۹ شرکت کرده بودند به موقع پرداخت گردد. نیروهایی که احتمالاً بسیاری از آن ها سمپات ایدئولوژیک حکومت اسلامی نیستند اما به خاطر پول و مقام و موقعیت به هرگونه همکاری با حکومت اسلامی و هر حکومت دیگری تن در می دهند. حکومتی که در طول سی و یک سال عمر نفرت انگیز خویش و با سیاست های جنایت کارانه اش سه چهار میلیون ایرانی را از کشور رانده است اکنون دست دراز کردن آن به سوی ایرانیان خارج کشور، تنها نشان دهنده ضعف و زبونی و ورشکستگی این حکومت است. اکثریت ایرانیان خارج کشور و روشنفکران و متخصصان آگاه و انسان دوست نه تنها حاضر به هیچ گونه همکاری با حکومت اسلامی نیستند، بلکه در جهت سرنگونی آن نیز تلاش می کنند. بنابراین، کسانی که به این خواست و همکاری حکومت اسلامی جواب مثبت می دهند ورشکسته تر از حکومت هستند.

بحث اساسی ما در این جا، اساساً بر سر چگونگی رهایی و آزادی مردم ایران از اسارت یک مشت تروریست و جنایت کار اسلامی و یا همکاری با این جنایت کاران و کمک به بقای این حکومت رعب و وحشت ترور اسلامی است. یک دره عمیقی بین این دو بحث وجود دارد که با هیچ توجیه و تلاشی پر نمی شود. این دره را حکومت اسلامی با راه انداختن حمام خون در جامعه ایران به وجود آورده است و سرانجام خودش نیز در این دره مدفون خواهد شد.

هزینه های همایش

تاکنون مسئولان همایش از ارائه اطلاعات شفاف در خصوص هزینه های آن خودداری کرده اند. اما روزنامه کیهان، هزینه این همایش را ۸۰ میلیارد تومان اعلام کرد. این در حالی است که تا زمان انتشار خبر کیهان، رقم ۵۰ میلیارد تومان به عنوان هزینه های همایش، دهان به دهان می گشت. هر یک از میهمانان همایش می توانستند به همراه خانواده خود با ۲ همراه دیگر، از امکانات رفاهی این همایش استفاده کنند. این امکانات شامل بلیط رفت و برگشت به ایران، سه شب اقامت رایگان در یکی از هتل های پنج ستاره تهران به ویژه هتل استقلال و هتل آزادی و حضور در تورهای استانی به دعوت برخی استانداری ها می شد. خراسان رضوی، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، اردبیل، بوشهر، مازندران، گیلان و عسلویه از جمله نقاطی بود که میهمانان همایش می توانستند به آن سفر کنند. «شورای عالی ایرانیان خارج از کشور» که زیر مجموعه نهاد ریاست جمهوری است، مسئولیت پرداخت این هزینه ها را بر عهده داشت. از دیگر هزینه های این همایش می توان به تبلیغات گسترده در سطح شهر اشاره کرد که سود خوبی را نصیب شرکت های تبلیغاتی و رزرو بلیتوردهای شهری کرد. هزینه های این بخش ۲ میلیارد تومان برآورد می شود. به کارگیری بیش از ۷۰ مترجم در این همایش که همه میهمانان آن ایرانی و مسلط به زبان فارسی بودند. سایت رسمی ایرانیان خارج از کشور اعلام کرده بود که فقط بهای پروازهای Economy مهمانان و همراهان آن ها را پرداخت می کند با این حال اکثر آن ها با پروازهای First Class به ایران آمدند و به نوشته برخی سایت ها هزینه کامل بلیت آن ها از سوی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور پرداخت شد.

از این همایش و برنامه های جانبی، یکی از پرهزینه ترین همایش ها یاد شده است.

موضع گیری ها در رابطه با شرکت یک عضو حزب مدرات در همایش

حضور یک نماینده ایرانی تبار پارلمان سوئد در همایش احمدی نژاد، حزب حاکم مدرات را در موضع شکننده ای قرار داده است به ویژه این که چند هفته ای پیش تر به انتخابات پارلمانی سوئد باقی نمانده است.

لازم به تاکید است که در چهار سال گذشته که حزب مدرات با سه حزب بورژوازی مرکز، حزب لیبرال مردم و دمکرات مسیحی قدرت را در دست دارند علاوه بر این که بسیاری از دستاوردهای دوره گذشته جامعه سوئد را از بین برده اند از جمله رابطه شان با حکومت اسلامی ایران نیز به حدی گسترده و حسنه رسیده است که به بستن قراردادهای کلان و چاق و چله ای بین طرفین منجر شده است. دولت سوئد، جنایات حکومت اسلامی را نه تنها به طور جدی محکوم نکرده است، بلکه بسیاری از مقامات سیاسی - امنیتی حکومتی اسلامی به راحتی به این کشور سفر کرده و در مجالس و مهمانی های دولت سوئد نیز شرکت می کنند. از جمله این سفرها می توان به سفر منوچهر متکی، رادان رییس پلیس و هیات های مختلفی که مخفیانه به سوئد و از سوئد به ایران رفت و آمد می کنند اشاره کرد. برخی مواقع پس از پایان این سفر، به عنوان خبری کوچک و حاشیه ای در روزنامه های سوئد منتشر می شود. اما برخی نیز چون سفر متکی وزیر امور خارجه حکومت اسلامی به سوئد، با اعتراض گسترده ایرانیان آزادی خواه و چپ روبرو شده و در تمام رسانه ها انعکاس یافته است.

منوچهر متکی، در سفر حدود دو سال و نیم سال پیش خود به سوئد، ابتدا قرار بود در محل مدرسه عالی بازرگانی سوئد سخن رانی کند که با اعتراض و اقدام افشاگرانه نیروهای چپ سرنگونی طلب و همبستگی بسیاری از دانش جویان این دانشکده با این اعتراض، ترتیب دهندگان این مراسم چنان به تشویش افتادند که در فاصله کوتاهی اعلام کردند محل سخن رانی به دلیل عدم حفظ امنیت تغییر کرده است.

سرانجام صدها نفر از مخالفان حکومت اسلامی در مقابل دانشکده دفاع ملی سوئد در استکهلم، تظاهرات قدرت مندی برگزار کردند. متکی قرار بود در این محل سخن رانی داشته باشد. پلیس ضد شورش سوئد با تجهیزات کامل و مجهز به اسب و سگ و سپر و باتوم، در مقابل صدها نفر از ایرانیان خشمگین در تظاهرات صف کشیدند. اما شعارهای مرگ بر حکومت اسلامی ایران، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، متکی قاتل است، کارل بیلد (وزیر امور خارجه سوئد از حزب مدرات) ریاکار است، سفارت حکومت اسلامی این لانه حاسوسی تعطیل باید گردد در فضای استکهلم به حدی طنین انداز بود که همه رسانه های ریز و درشت سوئد آن را در سطح وسیعی و تکراری انعکاس دادند. تظاهرات دیگری بلافاصله در مقابل وزرات امور خارجه سوئد محل ملاقات متکی با همناک سوئدی اش کارل بیلد، برپا شد. مسئولین دولتی سوئد یکی پس از دیگری تلاش داشتند خود را از زیر تیغ تیز انتقادات خارج کنند. این تظاهرات مخالفین حکومت اسلامی علیه حکومت اسلامی و دولت سوئد و هم چنین ورود مخالفین حکومت اسلامی در سال گذشته به سفارت این حکومت جانی در استکهلم، در ردیف مهم ترین اعتراضات و انعکاس گسترده آن نه تنها در رسانه های سوئدی، بلکه در رسانه های بین المللی نیز در سال های اخیر بوده است.

احمد رادان، رییس پلیس حکومت اسلامی نیز به دعوت وزارت امور اجتماعی سوئد، به سوئد آمده بود و جرایم زیادی از جمله شکنجه کردن زندانیان و کشتن آن ها در زیر شکنجه در ایران متهم است اجازه یافت تا از زندانیان ایرانی در سوئد بازدید کند. ظاهراً هدف از این بازدید مطالعه چگونگی کارکرد مقامات دولتی سوئد در مورد مبارزه با مواد مخدر ذکر شده بود. همراهان احمد رادان چه کسانی بودند؟ برای نمونه از قاضی قاتلی به نام رازانی نام برده شده بود.

با این که خبرهایی در سانه های حکومت اسلامی مبنی بر این که ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۵ نفر از دانش جویان و اساتید رشته مدیریت جهانگردی از دانشگاه Sdertn به منظور پژوهش درباره قابلیت های توسعه گردشگری در ایران به ایران مسافرت نمودند. در این سفر که از تاریخ ۲۴ تا ۲۱ فروردین انجام شد شرکت کنندگان از تهران، «آستانه حضرت معصومه (ع) در قم، اصفهان، تخت جمشید و دزفول و تعدادی از موزه ها دیدار کردند.» این هیات ۲۵ نفره در اولین روز سفر در سمیناری که از طرف سازمان جهانگردی ایران به منظور آشنائی این گروه با طرح ها و برنامه ریزی های کلان گردشگری در ایران برگزار شده بود شرکت نمودند. «نتایج پژوهش و طرح های توسعه گردشگری این گروه در باره آستان حضرت معصومه (ع)، اصفهان، تخت جمشید و دزفول در مقاله های جداگانه ای عرضه خواهد شد.»

«سفر هیاتی از آذربایجان شرقی به سوئد.» ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹، به دعوت اطاق بازرگانی اسکاندیناوی - ایران، هیاتی ۲۵ نفره متشکل از شهردار تبریز، مسئولین و سرمایه گذاران بخش های مختلف صنعتی، توریسم عمران شهری و مسکن از آذربایجان شرقی به استکهلم سفر نموده و در خصوص امکان همکاری صنعتی و سرمایه گذاری اقتصادی به ویژه در امر مسکن و حمل و نقل شهری با طرف های سوئدی به بحث و تبادل نظر پرداختند. در پایان این بازدید، موافقت نامه ای بین شهرداری تبریز و اطاق بازرگانی اسکاندیناوی - ایران به امضاء رسید که حوزه های گسترده ای از همکاری های فیما بین را دربرمی گیرد.

شایان ذکر است که رضا خلیلی دیلمی، در گفتگوی خود با رادیو پژواک، گفته است که پایه گزار صندوق تجارت اسکانديناوی ایران است، اما تاکید کرده است که این صندوق هنوز فعالیتی را در ایران انجام نداده است. در این رابطه اضافه کنیم که سایت شهرداری تبریز در آذر ماه سال گذشته در خبری به نقل از وزیر کشور حکومت اسلامی، مصطفی محمد نجار در مورد طرح احداث یک تله کابین تفریحی در این شهر نوشت که اجرای این طرح را با سرمایه ای معادل ۶۰ میلیارد ریال اتاق بازرگانی اسکانديناوی و ایران به عهده دارد. در این خبر، شهرداری تبریز به عنوان کارفرما و شرکت مهندسين مشاور سبزاندیش پایش به عنوان مشاور معرفی شدند.»

سفر هیات پارلمانی ایران به سوئد: 19 اردیبهشت ۱۳۸۹، یک هیات پارلمانی حکومت اسلامی ایران متشکل از «خانم دکتر الهام امین زاده نائب رئیس کمیته سیاست خارجی، مهندس سهیلا جلودارزاده و خانم عفت شریعتی از اعضاء کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در محل پارلمان سوئد با همتایان سوئدی خود دیدار و پیرامون مسائل مختلف از جمله مسائل هسته ای ایران، حقوق زنان و خانواده، انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی و مسائل منطقه ای نظیر عراق، افغانستان و خاورمیانه گفتگو نمودند.» در پایان این دیدار «هیات ایرانی در ضیافت شامی که طرف سوئدی به افتخار هیات ایرانی تدارک دیده بود، شرکت نمودند.»

همکاری دولت سوئد با حکومت اسلامی ایران، به حدی آشکار و گسترده و شنیع است که اخیرا «ماتس تونهاگ»، روزنامه نگار و مفسر سوئدی، با انتشار مطلبی نوشته است که کارل بیلد، وزیر خارجه این کشور از حکومت اسلامی ایران حمایت می کند. ماتس تونهاگ، که ترجمه فارسی آن در سایت رادوی فردا نیز منتشر شده، در مقدمه مطلب خود که در روزنامه «وال استریت جورنال» منتشر شده است حکومت اسلامی ایران را بزرگ ترین خطر برای خاورمیانه و جهان توصیف کرده و می افزاید که محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران که منکر وقوع نسل کشی یهودیان است بارها اسرائیل را به نابودی کامل تهدید کرده است. گروه های دست نشانده ایران مثل حزب الله و حماس نیز این دشمنی و تهدید را تشدید کرده و خود حکومت ایران نیز در پی دست یابی به سلاح های هسته ای است. نویسنده سپس می پرسد که چرا با وجود همه این تهدیدها دولت سوئد از ایران حمایت می کند؟ در شرایطی که تمام دموکراسی های غرب با اعمال فشار به ایران می خواهند که برنامه های هسته ای آن کشور متوقف شود کارل بیلد در این زمینه تزلزل نشان می دهد. او حتا سعی کرده که مذاکرات و تصمیم گیری اتحادیه اروپا برای تحریم ایران را به بن بست بکشاند. به نوشته تحلیلگر سوئدی، وزیر خارجه این کشور در وب لاگ شخصی خود تحریم های مصوب شورای امنیت را زیر سوال برده و از توافق نامه تهران با میانجیگری برزیل و ترکیه حمایت کرده است. این در حالی است که سازمان ملل متحد با آن توافق مخالفت کرد چون بر توقف برنامه های هسته ای ایران هیچ تاثیر نخواهد داشت. ماتس تونهاگ در ادامه تحلیل خود در روزنامه وال استریت جورنال می نویسد در فضای سیاست سوئد، سازمان ملل متحد نقش بسیار مهم و حتا مقدسی دارد و انتقاد و یا مخالفت با تصمیمات این نهاد یک نوع کفر تلقی می شود. در عین حال سوئد از کشورهای استورهای است که همیشه مدافع توسعه دموکراسی بوده و مسلما یک ایران دموکراتیک می تواند به کاهش تنش در منطقه کمک کند. اما کارل بیلد وزیر خارجه سوئد، هم چون باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، به شکل فعالی از اپوزیسیون دموکراتیک ایران دفاع نکرده و حتا مسائلی مثل حقوق بشر و یا آزادی های مذهبی را در آن کشور جدی نمی گیرد. نویسنده یادآوری می کند که زمانی که یک نماینده پارلمان سوئد از دولت خواست که به سرکوب مسیحیان در ایران اعتراض کند، وزیر خارجه وعده داد که این موضوع از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد دنبال خواهد شد. اما حقیقت این است که این شورا ضعیف ترین و بی خاصیت ترین نهاد سازمان ملل متحد است و هیچ گاه نتوانسته کار مهمی در زمینه نقض حقوق بشر در ایران انجام دهد...

در ضمن چندی پیش اداره مالیات سوئد در شهر امنو، یک صرافی ایرانی را به دلیل تخلف مالیاتی تحت تعقیب قرار داده است. مقامات مالیاتی و قضایی سوئد گفته اند که گردش پول میلیاردی در حساب های این صراف ایرانی عمدتا از طریق فعالیت های صرافی و انتقال ارز مابین ایران و سوئد صورت گرفته است. حساب های بانکی شرکت این مرد ایرانی نشان از گردش پولی به ارزش بیش از ۵ میلیارد کرون دارد. گفته می شود که پرونده این تاجر ۵۷ ساله ایرانی از سوی پلیس امنیتی سوئد (سیو)، به دلیل داد و ستد غیرقانونی با ایران و شکستن تحریم های اقتصادی اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با ایران و از جمله کمک به فروش قطعات مورد نیاز برنامه اتمی ایران به این کشور در حال رسیدگی است. اما مساله ای به این بزرگی را کد گذاشته شده و احتمالا در پشت پرده دولت سوئد و حکومت اسلامی در این مورد نیز به توافقاتی رسیده اند؟! این بازرگان ایرانی علاوه بر اشتغال به صرافی و پول شویی برای حکومت اسلامی، در زمینه راه انداختن رستوران و کلوب های شبانه نیز در شهر امنو سوئد، فعالیت دارد.

حزب حاکم مدرات و متحدین آن در چهار سال گذشته، از جمله با درخواست پناهندگی بسیاری از ایرانی، عراقی، افغانستانی و آفریقایی رد کرده و در عوض همکاری های خود با حکومت دیکتاتوری و مستبد در آسیا و آفریقا و به ویژه تروریستی اسلامی را گسترده تر کرده است. اما اکنون که

جامعه سوئد در مقطع انتخابات قرار دارد و نسبت به تحولات سیاسی و موضع گیری های احزاب حساس تر است باید عملکرد و رسوایی سیاسی حزب مدرات راغ به دلیل شرکت نماینده آن بر سر سفره خونین حکومت اسلامی به گوش مردم سوئد و شهروندان ایرانی در این کشور رساند. در سوئد حدود ۸۰ هزار ایرانی زندگی می کنند و فعالین سیاسی و فرهنگی ایرانی در احزاب سوئدی، رسانه ها و محیط های آکادمیک فعالیت چشم گیری دارند از این رو، در انتخابات سراسری سوئد، تاثیر دارند. ضروری است که ایرانیان آزادی خواه مقیم سوئد، دفتر مرکزی حزب مدرات را به دلیل همکاری های گسترده اش با حکومت اسلامی و به ویژه شرکت نماینده ایرانی تبار پارلمانی اش در مهمانی احمدی نژاد، این آدم کش حرفه ای، بمباران فاکسی، امیلی و تلفنی کرد. حزب مدرات، در سال های گذشته، آگاهانه و در راستای منافع اقتصادی و سیاسی خود به جنایات حکومت اسلامی چشم بسته است. بنابراین، به طور غیرمستقیم در جنایات این حکومت جانی و تروریست نیز دست داشته و دفاعش از حقوق و دموکراسی رباکاری و دروغین است.

برای مثال، چند سال پیش شخصی به نام «مجید صادقی کیسو دراز» که خودش را پزشک و تحلیل گر سیاسی و کارمند دفتر سازمان ملل در استکهلم معرفی کرده و با نفوذ به میان ایرانیان و رادیوهای فارسی زبان، برای حکومت اسلامی جاسوسی می کرد و بعدها معلوم شد که او عضو سپاه پاسداران بوده است. با وجود این که جاسوسی کیسو دراز، برای دولت و مقامات امنیتی و حنا رسانه های سوئد محرز بود اما او هنوز هم در سوئد زندگی می کند؟! از سوی مقامات امنیتی سوئد نیز به این مساله اذعان کرده اند و چندین پناهجو ایرانی نیز شاکی خصوصی او بوده است. این جاسوس حکومت اسلامی، خودش را به دفتر سازمان ملل در آنکارا و هم چنین مقامات سوئدی به اسم مجید صادقی کیسو دراز معرفی کرده و چند لیسانس و فوق لیسانس و دکترا هم دارد. او هم چنین خود را از رهبران جنبش دانش جویی در ایران معرفی می کرد، همکار رادیو محلی «اوا» در استکهلم بود.

عموما جاسوسان دولتی خود را در پوشش های مختلف معرفی می کنند تا ردیابی نشوند. این جاسوس حکومت اسلامی، علاوه بر جاسوسی برای سفارت حکومت اسلامی در استکهلم، با نفوذ در میان پناهجویان سوء استفاده های مالی و جنسی نیز از آن ها می کرده است. در رابطه با علنی شدن ماهیت این جاسوس حکومت اسلامی به ویژه در رسانه های پرتیراز سوئد، حسن قشقاوی سفیر وقت حکومت اسلامی در استکهلم، به نوعی دولت سوئد را تهدید کرد که این مساله روابط اقتصادی ایران و سوئد را به خطر خواهد انداخت. سفیر ایران در سوئد، در جواب خبرنگار روزنامه ای که از او، بابت دریافت پول توسط صادقی از یک کارمند سفارت سوال کرده بود چنین جواب داده بود: «ما صندوق کمک به بی بضاعتان در سفارت داریم که ایرانیان عزیز اگر دچار کمبود مالی هستند از این صندوق کمک دریافت می کنند. ایشان شاید از این صندوق صدقه دریافت کرده است ولی از چند و چونش اطلاعی ندارم.» گفته های این سفیر جهل و جنایت حکومت اسلامی در توجیه اعمال جاسوسی و تروریستی شان، واقعا شاهکار است؟!!

هم چنین در اعتراضات میلیونی سال گذشته ایران، افشاگری وسیعی در رابطه با زیمس آلمان شد. قطعات ارسالی در شعبه زیمنس سوئد ساخته می شد و از این کشور به ایران ارسال می شد. ابزارهایی که در سرکوب مخالفان حکومت به کار گرفته شده اند. در واقع دولت سوئد، به نخست وزیر فردریک رینفلد رهبر حزب مدرات، همان بلایی که بوش بر سر مرد آمریکا و سایر کشورها آورد ایشان نیز در ظرفیت و توان خود بر سر مردم سوئد و کشورهای دیگر آورده است. بنا به گزارش پی پی سی، عیسی سحرخیز، روزنامه نگاری که در جریان حوادث بعد از انتخابات دستگیر شد طی دادخواستی از شرکت نوکیا زیمنس، به دادگاه فدرال آمریکا شکایت کرد. علی هریسچی وکیل سحرخیز، اعلام کرده است: «عیسی سحرخیز از شرکت نوکیا زیمنس و دیگر شرکت های مرتبط بابت فروش و ارایه فن آوری و تجهیزات لازم، برای شنود و مونتورینگ هوشمند شبکه های بی سیم، اطلاعاتی و اینترنت ایران که موجب دستگیری و شکنجه او و دیگر شهروندان ایرانی شده است به دادگاه فدرال آمریکا شکایت کرد.»

وکلا سحرخیز روز دوشنبه ۲۵ مرداد دادخواست شکایتی را تسلیم دادگاه فدرال آمریکا کرده اند که در آن موکل شان مدعی است شرکت نوکیا زیمنس با توجه به آگاهی نسبت به تخطی های دولت ایران از قوانین بین المللی و کارنامه حقوق بشر این کشور که همگی دال بر تجاوز به حقوق مدنی است نمی باید تجهیزات برای فیلترینگ، استراق سمع و مونتورینگ را به ایران می فرخت. سحرخیز هم چنین گفته است از آن جا که شرکت نوکیا زیمنس آگاهانه و عمدانه این تجهیزات را در اختیار ایران قرار داده، شریک تخطی های ایران در تجاوز به حقوق مدنی مردم این کشور و مسنول صدمات ناشی از این تجاوزات بر شهروندان ایرانی و عیسی سحرخیز است. سحرخیز به دنبال حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری در روستایی در مازندران دستگیر شد. عیسی سحرخیز مدعی است که فن آوری های فروخته شده توسط نوکیا زیمنس موجب دستگیری او شده و دولت ایران بدون این تجهیزات امکان دستگیری او را نداشته است.

آن چه که درباره همکاری های دولت سوئد با حکومت اسلامی اشاره کردیم تنها نمونه های بسیار کوچکی هستند. ترور غلام کشاورز که از سوئد برای دیدار مادرش به قبرس رفته بود ترور شد؛ ترور عفت قاضی در شهر وستورس و هم چنین کشتن دو تن از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در

سوئد (در نینس هامن و استکهلم) نمونه های دیگری از فعالیت های تروریستی حکومت اسلامی علیه ایرانیان مقیم سوئد هستند که هنوز پس از گذشت سال ها در پرده ابهام باقی مانده اند و دولت سوئد نیز در این موارد هیچ گونه روشنگری نکرده اند.

در هر صورت رضا خلیلی دیلمی، این عضو پارلمان سوئد که در گذشته سمپاتی به سلطنت طلبان داشت دست کم در چهار سال گذشته نقش دلالی بین دولت سوئد و حکومت اسلامی را از سوی حزب مدرات عهده دار بوده است. اما اکنون حضور او در همایش احمدی نژاد، به یک رسوایی سیاسی تبدیل شده و این حزب حاکم را آن هم در مقطع انتخابات سراسری این کشور، بدجوری در محاصره قرار داده است.

روشن است که از دوره نمایندگی دیلمی چند هفته ای بیش تر باقی نمانده است. اما ایرانیان و سوئدی های آزادی خواه و انسان دوست باید به اعتراض خود علیه دولت سوئد و در راس همه حزب مدرات ادامه دهند تا هر دولتی که پس از انتخابات سر کار می آید جرات ادامه همکاری های حکومت اسلامی را نداشته باشد.

البته گفته می شود که حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر از سوئد برای شرکت در همایش به ایران رفته بودند از جمله یکی از آن ها به عنوان پزشک یکی از بیمارستان های استکهلم معرفی شده که در شورای پزشکی سوئد ثبت نشده و چنین پزشکی در این بیمارستان وجود خارجی ندارد.

هم چنین یکی دیگر از ایرانیان مقیم سوئد که در همایش احمدی نژاد حضور داشته و از سوی احمدی نژاد و مشایب نیز به عنوان «مشاور دبیرکل شورای عالی ایرانیان خارج از کشور»، منصوب شده است «علیرضا توکلی» نام دارد. علیرضا توکلی، دارای دکترای رباتیک از دانشگاه سلطنتی تکنیک استکهلم (کی تی ای) و هم چنین رشته مدیریت از دانشگاه بازرگانی استکهلم (هندلس اسکولان) است. او تاکنون کلی جایزه از ارگان ها و مقامات سوئدی دریافت کرده و اکنون نیز به خدمت حکومت اسلامی درآمده است. از جمله او مدتی پیش حدود یک میلیون کرون سوئد، از دولت سوئد برای شرکت خود گرفته است. این در حالی است که سازمان امنیت سوئد، به کسانی که با حکومت اسلامی ارتباط دارند حساس است و این جوان نیز یک شبه به خدمت حکومت تروریستی اسلامی درنیامده بنابراین، دولت سوئد به همه این اعمال جاسوسی و تروریستی حکومت اسلامی و جنایات بی شماری علیه مردم ایران چشم بسته است. توکلی، ضمن سخن رانی در همایش احمدی نژاد، که از طریق خبرگزاری «آنا» مخابره شده، گفته است: «سایت اطلاع رسانی مرکز رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور به زودی راه اندازی می شود و شعبات این دفتر در تمام استانداری ها و مراکز خارج از کشور نیز فعال خواهد شد.» بنابراین، دولت «دمکرات و مدافع حقوق بشر سوئد؟!»، همکاری گسترده ای با حکومت اسلامی داشته و نماینده پارلمانی آن نیز با مشورت و تبادل نظر در رهبری آن، با شرکت در سفره خونین حکومت اسلامی، سیاست های حزب مدرات را پیش برده است. بر این اساس، تناقض کویبی های رهبری و سخن گویان این حزب را نباید پذیرفت. این حزب را باید وادار کرد که از شهروندان سوئدی و هم چنین ایرانیان مقیم این کشور، به خاطر همکاری هایش با جانی ترین حکومت جهان، عذرخواهی کند و دست کم با اخراج علنی این عضو خود، رسماً از جامعه سوئد معذرت خواهی کند.

واحد مرکزی خبر حکومت اسلامی در اولین روز نمایش احمدی نژاد، درباره شرکت کنندگان همایش نوشته است: جمع بزرگی از متخصصان ایرانی مقیم خارج امروز همایشی در تهران داشتند که در جریان این همایش و در خلال سخن رانی های مدعوان حاشیه هایی وجود داشت که گاهی از متن، پررنگ تر بود.

این ایرانیان خارج نشین که به همایش تهران رفته بودند از مهندس و استاد دانشگاه هستند، تا خلبان و پزشک و سرمایه گذار و اقتصاددان؛ کسانی که می خواهند آموخته ها و دانش خود را در خدمت حکومت اسلامی قرار دهند.

بنا به همین گزارش، قبل از سخن رانی جانشین رییس جمهور در شورای عالی ایرانیان مقیم خارج کشور، دکتر فرخ سعیدی جراح ایرانی و استاد دانشگاه هاروارد، پشت تریبون رفت. او، گفت: وی افزود: «شما کافی است به اطراف خود نگاه کنید و یا به اطراف ایران سفر کنید؛ خواهید دید که ایران به رغم تمام مشکلات پس از انقلاب و جنگ تحمیلی و تحریم ها، چگونه با دستان متخصصان داخلی ساخته شده است و روی پای خود ایستاده است.»

در این همایش جرج گالوی، نماینده مجلس انگلیس و «مدافع صلح جهانی؟!»، هم تقریباً ۲۵ دقیقه سخن رانی کرد و به خاطر اتخاذ مواضع ضدصهیونیستی و آمریکایی حدوداً ۱۰ مرتبه از طرف حاضران در همایش مورد تشویق قرار گرفت.»

بنا به همین گزارش، ۲۹ درصد از دعوت شدگان در رشته علوم مهندسی، ۲۲ درصد علوم پزشکی، هشت درصد علوم پایه، شش درصد علوم انسانی، چهار درصد علوم اقتصادی، سه درصد مدیریت، دو درصد هنر و ۱۵ درصد دعوت شدگان نیز در سایر علوم تخصص دارند.

۴۷۶ نفر از دعوت شدگان به این همایش ایرانیان مقیم کشور آمریکا، ۲۱۰ نفر از انگلستان، ۱۰۰ نفر از آلمان، ۴۹ نفر کانادا، ۲۸ نفر از فرانسه، ۱۵ نفر از سوئد، ۱۲ نفر از دانمارک، ۱۱ نفر از مالزی و ۱۰ نفر از استرالیا بودند.

گفته شده است که مسئولین سیاسی - امنیتی این همایش، با برگزاری ۷۱ جلسه، از میان ۱۰ هزار ایرانی مقیم خارج مشتاق برای حضور در این همایش، یک هزار و دویست نفر را به این همایش کشانده بودند.

رامین مهناپرست، سخنگوی وزارت خارجه حکومت اسلامی، به رسانه‌ها درباره این همایش گفته است، «رایزنی‌های داخلی و خارجی نیز لازمه این کار است و ممکن است که نحوه آن مطابق میل کسی نباشد و حتی مجری نیز از آن خرسند نباشد اما عرف رایزنی‌ها و مذاکرات ایجاب می‌کند که برخی اقدامات انجام شود. صدور دستور العمل‌ها و امریه‌ها خطاب به این دستگاه دولتی و آن مرکز امنیتی و... نیز لازم بوده و برگزاری این همایش و مسائل پیرامون آن و کاهش هزینه‌های سیاسی و امنیتی و... نیازمند توجه به این نکات است و نباید انتظار داشت که مطابق سایر همایش‌ها برگزار شود. هویت برخی از ایرانیان دعوت شده، نیز نباید عجیب به نظر برسد زیرا که این افراد در کشورهای غربی زندگی می‌کنند و در سه دهه اخیر از کشور خارج شده‌اند و این افراد با هدف استفاده از فرصت‌های دو طرف و جلب توجه هموطنان به فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کمک به بازسازی و رشد و توسعه اقتصاد کشور دعوت شده‌اند... میهمانان از متخصصان ایرانی حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی و بازرگانی هستند و تسهیل ارتباط آن‌ها با ایران و فراهم آوردن زمینه‌های آشنایی با امکانات و ظرفیت‌های کشور از دیگر اهداف این همایش است. ایرانیان مهاجر از پنج قاره جهان به تهران آمده‌اند «تا آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی اعلام کنند.»

این ادعاها در حالی بیان می‌شوند که از جمله در یک سال اخیر بسیاری از فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش‌جویی، وکلا، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و متخصصین به دلیل سانسور و اختناق شدیدتر و سرکوب‌های سیاسی وحشیانه کشور را ترک کرده‌اند و در کشورهای مختلف جهان درخواست پناهندگی کرده‌اند. حتی بسیاری از سرمایه‌داران داخل ایران، به دلیل این که از امنیت کافی برخوردار نیستند در سال‌های اخیر سرمایه‌های خود را از کشور خارج کرده‌اند. در چنین شرایطی، این متخصصین ما، آن طوری که تصاویر نشان می‌دهد در همایش تهران، حتی برای عکس و امضاء گرفتن با احمدی‌نژاد و مشای، یعنی با این تروریست‌ها و آدم‌کشان و چپاول‌گران اموال عمومی کشور، با همدیگر مسابقه می‌داده‌اند؟!

مهم‌تر از همه واقعیت این است که سرمایه و سرمایه‌داران مرز و وطن و هموطن و به طور کلی انسانیت سریش نمی‌شود و به همین دلایل هر جا امنیت سرمایه تامین شود و نیروی کار هم ارزان باشد به آن جا می‌رود. بنابراین، ماهیت واقعی سرمایه و سرمایه‌دار جز کسب سود بیش‌تر توأم با ستم و استثمار چیز دیگری نیست. بنابراین، بحث‌ها و ادعاهای این متخصصان منتخب ارگان‌های امنیتی - اطلاعاتی حکومت اسلامی مبنی بر بازگشت به «وطن» و خدمت به «هموطنان» و غیره، تلاش‌هایی واهی برای سرپوش گذاشتن به همکاری‌هایشان با حکومت اسلامی است.

در حقیقت شرکت‌کنندگان خارج‌کشوری در نمایش احمدی‌نژاد، نه زندان و شکنجه، تهدید و وحشت و نه فقر را تجربه کرده‌اند و نه در زندان زیر شکنجه تواب و وادار به مصاحبه تلویزیونی شده‌اند، بلکه این متخصصین ما، صرفاً به دلیل پول و مقام، به خدمت حکومت اسلامی درآمده‌اند، بدون این که به کم‌ترین عذاب وجدانی دچار شوند! حکومتی که سی و یک سال است جنایت می‌کند و دستش به خون ده‌ها هزار انسان و ویرانی تدریجی یک جامعه ۷۵ میلیونی آلوده است همکاری با آن، بهای سنگینی در پی دارد.

نهایت امر، مشای، درباره نقش شرکت‌کنندگان این همایش گفته است: «اصل برگزاری همایش ایرانیان خارج از کشور و حضور فرهیختگان و چهره‌های برجسته صنعت علم و تجارت از سراسر دنیا در ایران نفس آن بزرگ‌ترین دستاورد است که خنثی‌کننده تبلیغات دشمن می‌باشد.» اولاً این ادعا به دور از واقعیت است. زیرا اگر هم فرض کنیم اگر هم این بنا به ادعای مشای، «فرهیخته و...» هم باشند علم و دانش خودشان را به جانی‌ترین حکومت جهان فروخته‌اند. بنابراین، هیچ‌گونه جایگاهی در میان ایرانیان آزادی‌خواه ندارند. از سوی دیگر، مشای گفته است که نقش شرکت‌کنندگان همایش «خنثی» کردن «تبلیغات دشمن» می‌باشد؟!

مشای، «تاسیس شبکه متخصصان ایرانی خارج از کشور را از دیگر دستاوردهای این همایش برشمرد» و گفته است: «بیش‌ترین اثر این همایش را بعد از برگزاری آن باید دید که با بازگشت این عزیزان به سرزمین‌هایی که زندگی می‌کنند باید تاثیر آن را جستجو کرد که انتقال دهنده پیام انقلاب هستند و انتقال پیام قدرت مندی ایران به دنیا است.»

به راستی این دشمن کیست؟ این بیان قدرت مند حکومت اسلامی به دنیا کدام است؟ غیر از این که بزرگ‌ترین و واقعی‌ترین دشمن حکومت اسلامی، اکثریت مردم ایران در داخل و خارج کشور هستند هیچ‌کسی شکی ندارد. بنابراین، غیر از این است که این «فرهیختگان...» ماموریت دارند فعالیت‌های نیروهای سرنگونی طلب در خارج کشور را خنثی کنند و وجه دیگری به چهره هیولایی حکومت اسلامی بدهند تخیلی بیش نیست! چرا که این به اصطلاح فرهیختگان، کمی دیرتر به خدمت حکومت اسلامی درآمده‌اند. اکنون نه تنها اکثریت مردم ایران، بلکه اکثریت مردم آزادی‌خواه جهان نیز با دیده نفرت انگیزی به حکومت اسلامی می‌نگرند و در انتظار جشن و سرور سرنگونی آن لحظه شماری می‌کنند. هم‌چنین در خارج کشور، نیروهای آزادی‌خواه و چپ سرنگونی طلب به حدی قدرت مند هستند که چون گذشته هرگز اجازه نخواهند داد این اجیرشدگان حکومت اسلامی،

سیاست‌ها و اعمال وحشیانه حکومت آدم‌کش و تبه‌کار اسلامی را توجیه کنند تا چه برسد «انتقال دهنده پیام حکومت اسلامی» که جز جهل و جنایت و تزور چیز دیگری نیست، باشند! هیچ‌کس نباید کم‌ترین شکی داشته باشد که نزدیکی هر فرد و گروه و سازمانی به حکومت اسلامی، جز رسوایی حاصل دیگری برای آن‌ها ندارد. حکومت اسلامی، یکی از جانی‌ترین و منفورترین حکومت‌های جهان است. از این‌رو، این «متخصصان و برگزیدگان» حکومت اسلامی، که سال‌هاست در خارج کشور زندگی می‌کنند این چنین خفت بار به شرکت در مهمانی خونین حکومت اسلامی می‌شتابند؟ آینده‌شان به آینده حکومت اسلامی گره می‌خورد. فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی مردم عادی که مخالف حکومت اسلامی هستند به این «متخصصان و...» به عنوان دلالت سیاسی، اقتصادی، امنیتی و جاسوسی حکومت اسلامی نگاه می‌کنند. یعنی سال‌ها طول می‌کشد که هر شخصی و جریانی اعتبار سیاسی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و انسانی خود را در جامعه به دست بیاورد؛ اما از دست دادن اعتبار و حیثیت در این زمین‌ها، نیاز به زمان نداشته و بلافاصله از دست می‌رود. از این‌رو، حتی اگر خوشبینانه هم فرض کنیم که برخی از مهمانان شرکت‌کننده بر سفره خونین حکومت اسلامی، صرفاً به دلیل ناآگاهی از عواقب آن و یا حتی سوءاستفاده از امکانات مالی که برای سفر به ایران توسط حکومت اسلامی مهیا شده بود به نمایش احمدی‌نژاد رفتند و قصد همکاری با این حکومت تروریستی را نداشته‌اند؛ تنها راه اعاده حیثیت برای آن‌ها، افشاگری علنی درباره اهداف پشت پرده این همایش و عموماً در رابطه با جنایات حکومت اسلامی است.

بدین ترتیب، امروز حتی متوهم‌ترین اقشار جامعه ایران نیز می‌دانند که حکومت اسلامی، حکومت جهل و جنایت، سرکوب و کشتار، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام، قصاص و سنگسار، تجاوز و غارت، و هم‌چنین مبلغ و مروج خرافات مذهبی است. بر این اساس، تنها راه رهایی مردم ایران از ستم و استثمار، سرکوب و ترور، اختناق و سانسور این حکومت جانی، تقویت صف نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌جوی چپ‌سرنگونی طلب است.

بیست و پنجم مرداد ۱۳۸۹ - شانزدهم اوت ۲۰۱۰